

ماجرای عجیبی به نام «جشن طلاق»!



در خانه، تالار یا باغی لوکس و پرطمطراق میزهایی چیده شده است که رویش را با اسباب پذیرایی از قبیل میوه، شیرینی و شربت پر کرده‌اند. استیجی در انتهای سالن تعبیه شده که گروه موسیقی روی آن مستقر است و ترانه‌های شاد می‌خوانند.

در خانه، تالار یا باغی لوکس و پرطمطراق میزهایی چیده شده است که رویش را با اسباب پذیرایی از قبیل میوه، شیرینی و شربت پر کرده‌اند. استیجی در انتهای سالن تعبیه شده که گروه موسیقی روی آن مستقر است و ترانه‌های شاد می‌خوانند.

به گزارش سلامت نیوز، هفت صبح نوشت: مدتی که از مراسم بگذرد به مراسم شام دعوتید. احتمالا پس از شام، زوجی که میزبان جشن هستند به روی استیج می‌آیند و ضمن تشکر از حضور گرم مدعوین اعلام می‌کنند که رابطه آنها به عنوان زن و شوهر تمام شده است.

سپس در میان بهت و حیرت شما حلقه‌های ازدواج را از دست در می‌آورند و آنها را با قیچی یا چکش معدوم می‌کنند و مسالمت آمیز و با لبخند از هم جدا می‌شوند؛ بله، شما مهمان مراسم طلاق را دیده‌اید.

سر و کله‌هایش از کجا پیدا شد؟

جشن طلاق مراسمی است که ابتدا در آمریکا سر و کله‌هایش پیدا شد. روانشناسان آمریکایی اعتقاد داشتند این جشن، زهر جدایی و تلخی‌هایش را می‌گیرد و تحمل رنج زندگی پس از طلاق را می‌کاهد. رفته رفته اما با مطالعه روی زوج‌هایی که با جشن طلاق از هم جدا می‌شوند دریافتند که این مراسم هم توسط نوکیسه‌ها مصادره شد و به یک کالای لوکس مصرفی برای عرض اندام و به شو آف تبدیل شده است.

کی وارد ایران شد؟

خواهی نخواهی این کالای لوکس مانند تمامی پدیده‌های رسمی و غیررسمی به کشورهای دیگر صادر شد. ایران هم از این قاعده مستثنا نبود. اولین خبر رسمی برگزاری این مراسم در ایران سال ۸۸ در یکی از روزنامه‌ها کار شد. خبر همانقدر که عجیب و حیرت آور بود، جنجالی هم بود و به سرعت اخبار و گزارش‌های جشن طلاق همه نشریات را تسخیر کرد. کار حتی به تریبون نمازهای جمعه و تذکره ائمه جمعه و نیز واکنش چند تن از مراجع تقلید کشید.

پس از آن عده‌ای از کارشناسان، جامعه‌شناسان و مسئولان درباره جشن طلاق حرف زدند و از پیامدها و فرجامش ابراز نگرانی کردند اما کمی پیاز داغ ماجرا زیاد شد و بدین ترتیب جشن طلاق هویت منبسط‌تر از آنچه وجود داشت در رسانه‌ها پیدا کرد. به جز چند مورد همه شاهد غیرمستقیم ماجرا بوده‌اند و فقط در مورد برگزاری این مراسم داستان‌هایی شنیده بودند، اما خبر به حدی تکان دهنده بود که واکنش‌ها شدیدتر از وقوع ماجرا بود.

بالاخره هست؟ یا نیست؟

دم دستی‌ترین راه برای فهمیدن وجود یا عدم وجود یک پدیده، سرچ در اینترنت است. انواع و اقسام عبارت‌هایی که می‌شد با جشن طلاق ساخت را سرچ کردم و چند عکس از کارت دعوت به مراسم یک با طرح‌های مخصوص جشن طلاق را پیدا کردم اما از خود مراسم عکسی در فضای مجازی وجود ندارد.

برای روشن شدن ماجرا به چند قنادی و تالار معروف و کارت فروشی‌های میدان بهارستان سر زدم. به جز یک کارت فروشی که گفت از همکاریش شنیده که کارت دعوتی برای جشن طلاق چاپ کرده است چیزی نیافتم. شاید معنای این گشتن‌ها و نیافتن‌ها این است فعلا جشن طلاق مشتری زیادی در بین جوانان ندارد اما با توجه به تمام تحقیقات، نمی‌توان منکر وقوع ماجرا بود و ما شاهدانی داریم که در این مراسم شرکت کرده‌اند.

شاهدان چه می‌گویند؟

سارا به تازگی در مراسم جشن طلاق الهه، دوستش حضور داشته است. وقتی از او پرسیدم دوستش پس از چند سال از همسرش طلاق گرفته است، گفت اصلاً به سال نرسید و به شوخی اضافه کرد تا آمدم از او بپرسیم شوهرت چند ساله است و شغلش چیست طلاق گرفتند. دلیل جدایی را جویا شدم، گفت الهه خیلی سربسته گفته شوهرش مشکل روحی شدیدی داشته است که این مسئله را قبل از ازدواج پنهان کرده بود.

البته ناگفته نماند که به نظر من الهه خیلی با عجله و بدون فکر و تحقیق ازدواج کرد تا از دخترخاله‌ها و هایش جا نماند. دلیل اصلی جشن طلاق هم این بود که می‌خواست جلوی دخترخاله‌ها و هایش خرد و تحقیر نشود.

ماجرای عجیب جشن طلاق

الهه مهریه‌اش را بخشید و در عوض داماد را راضی کرد که جشن طلاق بگیرند و در این مراسم داماد پشت بلندگو ضمن عذرخواهی از الهه رو به تمام حضار اعلام کند که هم سطح او نیست و لیاقت الهه بیشتر از این حرف‌هاست.

سارا در مورد چند و چون روند مراسم می‌گوید حسابی خرج کرده بودند و مثل بقیه جشن‌ها میز چیده بودند و با منوی ویژه و کامل از میهمانان پذیرایی می‌کردند. به علاوه موسیقی و پایکوبی هم بر پا بود اما کارت چاپ نکرده بودند و یک کلیپ ساخته بودند و با ارسال این کلیپ از طریق تلگرام همه را به مراسم دعوت کرده بودند.

کیک‌شان هم معمولی بود و طرحی که مربوط به طلاق باشد روی کیک وجود نداشت. سارا در نهایت می‌گوید همانقدر که مراسم مصنوعی و غیرمعمول بود، لبخند الهه و شوهر سابقش و نیز سخنرانی داماد در ستایش الهه و مذمت خودش مصنوعی بود و به سادگی می‌شد فهمید که هر دو از این اتفاق عمیقاً ناراحتند.

کدام بد است؟ طلاق یا جشن طلاق؟

باید اعتراف کرد که البته طلاق همیشه بد نیست و با فرض این که زن یا شوهری معتاد، بیکار یا بزهکار و ناهل از آب در بیاید یا تفاهم و جهان بینی مشترکی بین‌شان وجود نداشته باشد، طلاق جایز است و فرد با طلاق و جدایی، زندگی سالم و فرصت‌های زندگی سالم را به خود و فرزندان برگردانده است.

حتی گاهی طلاق را از ادامه زندگی مشترک بهتر می‌دانند چرا که ازدواج خوب باعث سلامت جسمی و روانی افراد می‌شود و در مقابل، ازدواج بد می‌تواند اثر مخربی بر سلامت جسمی و روانی افراد بگذارد اما با این حال اینگونه ریخته شدن قبح طلاق و جشن گرفتن آن، زنگ هشدار برای جامعه ایرانی است؛ زنگ هشدار که هر چند مدت‌هاست به صدا در آمده اما هنوز راه حلی اساسی برای آن اندیشیده نشده است و امروز جوانان بعد از مدت کوتاهی زندگی که با تجمل و عروسی‌های آنچنانی آغاز می‌شود، شاید برای فخر فروشی و ژست گرفتن به گزینه جشن طلاق آنچنانی هم بیندیشند. اما به غیر از دلایلی که گفته شد، آیا برگزاری جشن طلاق می‌تواند دلایل دیگری هم داشته باشد؟

اگر هست چرا هست؟

در گذشته‌ای نه چندان دور طلاق عملی شنیع بود که باعث سرشکستگی و شرمندگی والدین می‌شد و این عمل در خفا و سکوت خبری انجام می‌شد و حتی الامکان از برملا شدنش در میان دوستان و اقوام جلوگیری می‌کردند.

پس از برملا شدن خبر طلاق موجی تازه از جانب اقوام و دوستان شروع می‌شد و هر یک از زوجین مورد هجمه جملاتی از قبیل چرا طلاق گرفتید، حیف شد، بدبخت شدی، حالا می‌خواهی چه کار کنی؟ اشتباه کردی و ... قرار می‌گرفتند.

این هجمه در دوره‌ای طولانی، خاطرات ازدواج شکست خورده و تلخی طلاق را علی‌الدام به هر یک از زوجین یادآوری و آنها را ملزم می‌کرد تا دلایل‌شان را تک تک و جداگانه به همه سوال کنندگان توضیح دهند و از عمل خود دفاع کنند.